

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بررسی تحلیلی رقابت‌های سیاسی و اقتصادی انگلستان و روسیه در خلیج فارس (۱۸۲۰-۱۹۰۷م)*

دکتر بهمن زینلی (نویسنده مسئول)^۱

دکتر علی اکبر جعفری^۲

طیبه رستمی^۳

چکیده

خلیج فارس در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود همواره به عنوان یکی از مناطق مهم و استراتژیک مورد توجه کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار داشته است. این کشورها همواره سعی داشته‌اند جایگاه سیاسی و اقتصادی خویش را در این منطقه ارتقاء بخشند. در سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ م، خلیج فارس صحنه رقابت بین‌المللی گردید. رقابت انگلستان و روسیه به عنوان دو قدرت جهانی در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در خلیج فارس بخش مهمی از تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه است. هدف این پژوهش پرداختن به این مسئله است که چه عواملی سبب شد خلیج فارس در طی سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ م. صحنه رقابت سیاسی و اقتصادی انگلستان و روسیه گردد. در راستای پاسخ به این سؤال تلاش می‌شود که با استناد به منابع اصلی و پژوهشی و به شیوه توصیفی و تحلیلی موضوع مورد بررسی قرار گیرد و به نظر می‌رسد که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس و نزدیکی آن به هند، باعث گردید که انگلستان در راستای حفظ منافع سیاسی و نظامی خود در این منطقه و روس‌ها در راستای دست‌یابی به منافع جدید، به رقابت جدی پرداخته، که نهایتاً با تسلط کامل انگلیس بر این منطقه و خروج روس‌ها از آن در سال ۱۹۰۷ م به پایان آمد.

واژه‌های کلیدی: رقابت، استعمار انگلیس، روسیه، خلیج فارس.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲
bahmanzeinali@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴
نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۳. کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس از دانشگاه اصفهان

۱. مقدمه

خلیج فارس یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان و از زیباترین، جذاب‌ترین مناطق آسیا، به‌ویژه غرب آسیا می‌باشد. خلیج فارس به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین منبع اقتصادی و سرچشمه اصلی رفاه و آسایش میلیون‌ها انسان و چندین کشور مهم منطقه شناخته شده‌است؛ بخصوص بعد از کشف و استخراج و فروش نفت، چندین کشور از نظر اقتصادی و حیات اجتماعی و... فقط وابسته به این محصول گردیده‌اند. شاید وجود همین منابع و ثروت‌های خدادادی، منابع سرشار دریایی و موقعیت استراتژیک خلیج فارس باعث شده که در طول تاریخ ابرقدرت‌ها و کشورهای امپریالیستی و استعماری فرمانطقه و قدرت‌های منطقه چشم طمع به این آبراه تاریخی بی‌نظیر دوخته و همواره برای کشورهای ساحل خلیج فارس، سختی‌ها و دشواری‌هایی را خلق نمایند. کشورهای امپریالیستی و استعماری تنها هدف اقتصادی در این منطقه را تعقیب نمی‌کرده‌اند، بلکه به دنبال اهداف فرا اقتصادی، چون ایدئولوژیکی، نظامی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

سابقه حضور استعماری انگلیس و روسیه در جنوب غربی آسیا و خلیج فارس به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد. در سال‌های ۱۸۲۰ م در بحبوحه جنگ‌های ایران با روسیه، دولت انگلستان به بهانه مبارزه با دزدان دریایی سواحل جنوبی خلیج فارس را اشغال نموده، با حکام محلی قرارداد تحت‌الحمایگی امضا کرد. اگرچه در دوران گذشته از جمله دوره صفویه، انگلیسی‌ها در ایران حضور داشتند اما در آن زمان به علت اقتدار دولت مرکزی فقط به کار تجارت اشتغال داشتند. در زمان قاجاریه و تضعیف ایران به خاطر جنگ با روسیه، انگلستان از فرصت پیش آمده، جهت اشغال نظامی برخی مناطق خلیج فارس که تحت نفوذ ایران بودند، استفاده کرد.

در نیمه دوم قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری، انگلستان حضور روسیه را در ایران به‌ویژه در خلیج فارس با دقت و وسواس خاصی دنبال می‌کرد. روس‌ها نیز برای دسترسی به آب‌های گرم و آزاد جهان و هندوستان تمام تلاششان این بود که از راه ایران و عثمانی به خلیج فارس راه یابند و با توجه به اوضاع سیاسی ایران و انعقاد معاهده ترکمن‌چای که نفوذ روسیه را در ایران دوچندان کرده بود، تحقق این امر دور از دسترس نبود؛ اما انگلستان درصدد بود به هر قیمتی که شده، خلیج فارس و دسترسی به آن را برای سایر دولت‌ها از جمله روسیه و بعدها آلمان محدود کند و همچنان آن را به‌عنوان دریای تحت نفوذ خود در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم نگه دارد. با این وجود انگلستان برای فعالیت تجارتي سایر کشورهای اروپایی محدودیتی قائل نبود اما فعالیت‌های سیاسی و

نظامی قدرت‌های اروپایی، به‌ویژه آلمان و روسیه همواره با واکنش جدی دولت مردان انگلیس در هند و لندن مواجه می‌شد. انگلیسی‌ها حتی برای جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی و نظامی سایر دول در خلیج فارس از جنگ ابایی نداشتند.

اواخر قرن نوزدهم نفوذ روس‌ها در ایران به حدی موجب نگرانی دولتمردان بریتانیا شده بود که مسئله ایران و توسعه نفوذ روسیه در خلیج فارس بارها در مجلس عوام انگلستان مطرح گردید. این منطقه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌عنوان سپر دفاعی هندوستان، کانون ارتباطات و منابع نفت و برخی مسائل راهبردی دیگر، برای بریتانیا اهمیت حیاتی داشت و همین امر زمینه رقابت دولت انگلیس با روسیه در خلیج فارس گردید؛ رقابتی که نهایتاً با تسلط کامل انگلیس بر این منطقه و خروج روس‌ها از آن در سال ۱۹۰۷ م به پایان آمد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در زمینه نقش انگلیس در خلیج فارس صورت گرفته است ولی باوجود نقش زیادی که روسیه در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی با انگلیس در سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم در تحولات خلیج فارس داشته‌است، در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته‌است. از طرفی پیرامون رقابت‌های روسیه و انگلستان در ایران و خلیج فارس نیز پژوهش‌های متعددی صورت گرفته‌است اما پژوهشی که روند رقابت این دو قدرت را از سال ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۵ م را بررسی کرده‌باشد، انجام نشده‌است. بااین‌وجود در موضوع خلیج فارس و رقابت‌های این دو دولت، پژوهش‌های مستقلی در قالب مقاله و یا بخش‌های از کتاب‌ها در دست است.

از جمله این آثار مقاله «رقابت روسیه و انگلستان در خلیج فارس؛ تلاش برای ایجاد پایگاه دریایی (۱۸۹۰-۱۹۰۷م)» نوشته فرج‌الله احمدی است که نویسنده با متمرکز شدن بر تلاش این دو کشور برای ایجاد پایگاه دریایی، به رقابت‌های آن‌ها در بازه زمانی ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ می‌پردازد و از پرداختن به زمینه‌ها و روند رقابت سیاسی و اقتصادی دو کشور در خلیج فارس به‌سرعت عبور می‌کند. مقاله دیگر با عنوان «رقابت استعمار روس و انگلیس برای اشغال جزایر خلیج فارس» است که توسط پیروز مجتهدزاده تدوین شده و نویسنده در این مقاله با استناد به بخشی از اسناد منتشرشده، عمدتاً به تلاش انگلستان برای اشغال خلیج فارس پرداخته و برخلاف عنوان مقاله اشاره‌ای به رقابت روس‌ها نشده‌است. مقاله دیگر با عنوان «خلیج فارس در رقابت‌های روس و انگلیس در اوایل سده بیستم»، نوشته محمدحسن نیا است که نویسنده در مقاله‌اش عمدتاً به تحولات سال‌های دهه نخست قرن بیستم پرداخته

و به زمینه‌های شکل‌گیری رقابت روس و انگلیس در خلیج فارس در نیمه اول قرن نوزدهم اشاره نکرده‌است.

با وجود این نمونه از پژوهش‌ها، تاکنون پژوهش مستقلی، با محوریت و کلیدواژه «رقابت» بین آن‌ها در بازه زمانی ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ صورت نپذیرفته است و مقاله حاضر تلاش دارد تا به بررسی اهداف انگلستان و روسیه در جنوب غربی آسیا، به‌ویژه خلیج فارس از تاریخ ۱۸۲۰ م که شروع جنگ‌های ایران و روس است تا ۱۹۰۵ که پایان حضور روس‌ها در خلیج فارس است با استناد به منابع اصلی و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی بپردازد. اهمیت این مقاله در مقایسه با تحقیقات پیشین در این است که به‌صورت ویژه رقابت سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ م را در خلیج فارس را با تأکید تأثیر جنگ‌های ایران و روس و تحولات خلیج فارس مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اهمیت منطقه راهبردی خلیج فارس در عصر حاضر، جغرافیای سیاسی آن و تأثیر قدرت‌های خارجی در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن، پرداختن به زمان حضور و تعامل قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلستان و روسیه در خلیج فارس امکان تحلیل درست تحولات امروز این منطقه، به‌ویژه تأثیر سیاست قدرت‌های خارجی را فراهم می‌نماید؛ بنابراین تحلیل علمی تعامل رقابتی انگلستان و روسیه در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۷ م که یکی از ادوار رقابت قدرت‌های خارجی در خلیج فارس بوده است، می‌تواند ریشه‌های تحولات بعدی، از جمله ساختار قدرت‌های محلی را در این منطقه آشکار نماید.

پژوهش حاضر، کوششی است برای بررسی و تحلیل رقابت سیاسی و اقتصادی روسیه و انگلیس در خلیج فارس در عصر قاجار و پیامدهای این رقابت بر ساختار اقتصادی و سیاسی دو کشور مزبور، به‌ویژه منطقه خلیج فارس. اساس این پژوهش بر طرح پرسش زیر قرار دارد: چه عواملی سبب شد تا خلیج فارس در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم صحنه رقابت و چالش بین انگلستان و روسیه گردد؟ فرضیه پیشنهادی که بتوان بر مبنای آن‌ها روند پژوهش را ادامه داد و پاسخ مناسبی برای این پرسش ارائه کرد از این قرار است: کسب منافع سیاسی و اقتصادی عمده‌ترین عاملی بود که باعث شد خلیج فارس صحنه رقابت قدرت‌های اروپایی به‌ویژه روسیه و انگلیس گردد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نفوذ انگلستان در خلیج فارس

سابقه حضور استعماری انگلیس در جنوب غربی آسیا و خلیج فارس به اوایل قرن نوزدهم بازمی‌گردد. دولت انگلستان به بهانه مبارزه با دزدان دریایی سواحل جنوبی خلیج فارس را اشغال نموده، با حکام محلی قرارداد تحت‌الحمایگی امضاء کرد. اگرچه در دوران گذشته از جمله صفویه انگلیسی‌ها در ایران نفوذ داشتند اما در آن زمان به علت اقتدار دولت مرکزی فقط به کار تجارت اشتغال داشتند. در زمان قاجاریه و تضعیف ایران به خاطر جنگ با روسیه انگلستان از فرصت پیش آمده جهت اشغال نظامی برخی مناطق خلیج فارس که تحت نفوذ ایران بودند، استفاده کرد. انگلستان در راه سلطه کامل خود در منطقه در سال‌های آخر قرن نوزدهم، ضمن سایر اقدامات، از سیاست تفرقه استفاده می‌کرد و با تشدید اختلافات مرزی بین شیخ‌نشین‌ها باعث تضعیف هرچه بیشتر آن‌ها می‌شد و اوضاع منطقه را متشنج می‌کرد. این کشور بعد از تثبیت موقعیت خود در بین شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، کوشش بیشتری در جهت تضعیف دولت ایران و عثمانی به عمل آورد و با تحمیل جنگ‌های متعدد به این دولت‌ها و انتزاع سرزمین‌های مختلف از آنها، توانست سلطه و نفوذ خود را هر چه بیشتر در این دو کشور گسترش دهد.

بریتانیا برای جلوگیری از حفظ امنیت آبراهه خلیج فارس، پس از سرکوبی دزدان در سال ۱۸۱۹، قراردادی با شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس بست. این معاهده در سال‌های بعد، یعنی سال‌های ۱۸۳۸، ۱۸۴۸، ۱۸۵۳، ۱۸۶۸ و ۱۸۷۳ م دوباره تجدید شد (ن.ک:مجتهد زاده، ۱۳۴۹: ۶۴). بریتانیا برای حفظ موقعیت و نفوذ خود در منطقه، گاهی شیوخ را به عسبان وامی‌داشت و گاهی آنان را به طمع استقلال می‌شوراند و چون دولت‌های بزرگ منطقه مانند ایران، قادر به تسلط بر آنان نبودند، خود وارد میدان می‌شد و اداره آنجا در دست می‌گرفت (ن.ک: مروار، ۱۳۸۰: ۲۲ - ۲۳). انگلیس با آنکه در خلیج فارس قدرت برتر محسوب می‌شد، ولی از دیگر رقبایش مشکلات بیشتری داشت. این مشکلات از دل‌نگرانی بریتانیا از اقدامات رقبایش در منطقه سرچشمه می‌گرفت. بریتانیا هم باید مراقب اقدامات ترکان و آلمان‌ها در مورد کویت و راه آهن برلین - بغداد می‌بود و هم نگران دخالت روس‌ها در ایران.

به نظر لرد کرزن (Lord Curzon)، روسیه قصد تسخیر هند را نداشت، متن اقدامات بریتانیا و روسیه در آسیا، ارتباط جدایی‌ناپذیری با موازنه قدرت در اروپا بود. به‌طور خلاصه، هدف روس‌ها، ساکت نگه‌داشتن بریتانیا در اروپا از طریق مشغول نگه‌داشتن آنها

در آسیا بود. لرد کرزن مدافع سیاست پیشگیری برای دفع از هند بود که این عقیده، مستلزم تحت کنترل قرار دادن افغانستان و تحکیم منافع تجاری و سیاسی بریتانیا در جنوب ایران بود (ن.ک: صباحی، ۱۳۷۹: ۱۰۲؛ کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۰۶).

۲-۲. نفوذ روسیه در خلیج فارس

روس‌ها از زمان امپراتوری پتر کبیر در اندیشه دست‌یابی به آب‌های گرم و آزاد خلیج فارس بودند تا از این طریق بتوانند به یکی از قدرت‌های بزرگ جهان تبدیل شوند. پتر کبیر قبل از مرگ خود وصیت‌نامه‌ای از خود به جا گذاشت که تا پایان دوره امپراتوری تزارها دستورالعمل سیاست روسی به شمار می‌رفت (ن.ک: مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). روس‌ها بعد از استحکام موقعیت خود در ایران توجه خود را به سوی خلیج فارس معطوف داشتند. هرات که به منزله کلید دست‌یابی روسیه به هندوستان اهمیت خود را از دست داد و در عوض رهبران روسیه متوجه خلیج فارس شده، آرزوی دسترسی به اقیانوس هند را داشتند (ن.ک: ناظم، ۱۳۸۰: ۲۱). در دوره حکومت تزارها و در دوره کمونیست‌ها، دسترسی به اقیانوس هند برای روسیه به هدفی آرمانی تبدیل شده بود. در واقع، تمایل به رسیدن به آب‌های گرم و خروج از انزوای جغرافیایی از اهداف روسیه بود (ن.ک: حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). ایران در دهه نخست قرن نوزدهم، عرصه کشمکش‌های دول اروپایی روس و انگلیس و فرانسه بود. دلایل اهمیت خلیج فارس در نیمه دوم قرن نوزدهم عبارت بودند از: تثبیت قدرت آلمان در اروپا و شکل‌گیری یک امپراتوری قدرتمند که در تضاد با انگلستان و روسیه قرار داشت؛ تضعیف دولت عثمانی در اثر رقابت نیروهای قدرتمند اروپایی، از جمله روسیه و انگلستان و آلمان برای نفوذ در مستملکات این امپراتوری و طرح راه آهن بغداد توسط انگلیسی‌ها که موجب نزدیک‌تر شدن ارتباط میان هندوستان و اروپا می‌شد (ن.ک: وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۶۶-۴۶۸).

در سال‌های آخر سده نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری قمری، روس‌ها در سیاست خود تغییرات اساسی داده، به فعالیت و تحریکات بیشتری در منطقه خلیج فارس دست زدند. در این دوره هدف عمده روس‌ها این بود که بتوانند در خلیج فارس پایگاه دریایی و نیروی کافی مستقر گردانند و یک خط آهن سراسر احداث کنند که بتوانند در مواقع لازم قوای جنگی را از روسیه تزاری به این منطقه منتقل کرده، پایگاه‌های خود را تقویت نمایند (ن.ک: مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۱۵). اولین قدم اساسی روس‌ها برای توسعه و گسترش نفوذ در خلیج فارس، تأسیس کنسولگری خود در سال ۱۲۹۹ هـ/ ۱۸۸۱ م. تا ۱۳۰۶ هـ/ ۱۸۸۸ م. بود (ن.ک: جناب، ۱۳۴۹: ۱۱۱). روس‌ها با تأسیس کنسولگری خود در سال ۱۳۸۱ م/ ۱۲۹۹ ق

در بصره، اولین قدم اساسی را برای توسعه و گسترش نفوذ خود در خلیج فارس برداشتند. کمی بعد، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ - ۱۳۰۴ ق فعالیت روس‌ها در خلیج فارس افزایش یافت و آنها در این منطقه آشکارا اقداماتی را آغاز کردند و این نشان از برتری سیاسی و اقتصادی روس‌ها در خلیج فارس بود.

همین امر فرصت مناسبی را برای نفوذ هر چه بیشتر روس‌ها در خلیج فارس فراهم ساخت؛ به طوری که اوج نفوذ روسیه در ایران در اواخر دوره ناصری و دهه‌های ۱۲۹۹ هـ ق/ ۱۸۸۰ م و ۱۳۰۸ هـ ق / ۱۸۹۰ م بود (ن.ک: فوران، ۱۳۸۵: ۱۷۴). در نیمه دوم سده سیزدهم ق روس‌ها استقرار و گسترش خود در خلیج فارس را در دستور کار دیپلماسی خود قرار دادند و طرح‌های خود را برای توسعه قدرت در خلیج فارس به اجرا درآوردند. پس از آن برخی از افسران بلند پایه روسی برای بازدید از اصفهان، شیراز و بوشهر و بررسی وضعیت عمومی منطقه اعزام شدند.

در سال ۱۳۰۶ هـ / ۱۸۸۸ م. روس‌ها توسط گروهی از بازرگانان و تولیدکنندگان خود طرح احداث خط آهن بین دریای خزر و خلیج فارس را مطرح کردند و قرارداد مقدماتی آن با تهیه سیصد میلیون فرانک از یک بانک فرانسوی تأمین گردید؛ این طرح با مخالفت شدید انگلیسی‌ها روبه‌رو گردید و عقیم ماند.

در سال ۱۳۱۳ هـ / ۱۸۹۵ م. یک مهندس روسی از طریق کرمان عازم بندرعباس شد و در بهار همان سال به جزیره هرمز رفت و گزارش جامعی از وضعیت خلیج فارس تهیه کرد و به مسکو ارسال نمود (ن.ک: ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸). در سال ۱۳۱۹ هـ / ۱۹۰۱ م. روسیه درصدد افتتاح کنسولگری در بوشهر برآمد و او سنیکو (O Snykv) معاون کنسولگری بغداد را به کفالت کنسولگری بوشهر، به آن بندر اعزام نمود. چهار سال بعد کنسولگری روسیه در بندرعباس نیز آغاز به کار کرد (ن.ک: کبابی (سدید السلطنه)، ۱۳۶۸: ۶۵۲).

در سال ۱۸۹۹ م. ۱۳۱۷ هـ ق روس‌ها حق ویژه تدارک و مطالعه طرح احداث راه آهن ایران را به مدت پنج سال از ناصرالدین شاه گرفتند. نتیجه مطالعات سرمایه‌داران روسی که امتیاز کشیدن خط آهن سراسر از رشت تا سواحل جنوب ایران از دولت و شخص شاه اخذ گردید؛ اما این امر با مخالفت شدید بریتانیا روبه‌رو شد و به سرانجام نرسید (ن.ک: ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸).

۲-۳. رقابت روسیه و انگلیس

۲-۳-۱. رقابت سیاسی

در سال‌های پایانی قرن نوزدهم تا ۱۹۰۷ م، خلیج فارس صحنه رقابت بین‌المللی گردید و انگلستان نیز به‌عنوان قدرت برتر اقتصادی سیاسی در مقابل سایر رقبای اروپایی ظاهر شد و برای حفظ آن کوشید؛ این درحالی بود که برای روسیه، خلیج فارس پایگاه مهمی بود که می‌توانست سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خود را در آنجا گسترش دهد و هند را مورد تهدید قرار دهد. بدین سبب هر دو رقیب درصدد ایجاد پایگاه دریایی در منطقه برآمدند. پس از سرکوب شورش هند احداث خطوط تلگراف دریایی بین لندن و هند، سبب تحکیم بیش‌ازپیش موقعیت انگلستان در خلیج فارس گردید پس از وقوع ناآرامی گسترده در هند و مشکل اطلاع‌رسانی، این امر مدنظر کارگزاران انگلیسی واقع شد. در این راستا راهی که انگلیسی‌ها انتخاب کرده بودند:

۱. هند را از مسیر عثمانی و روسیه به لندن وصل کرد.
 ۲. افتتاح کانال سوئز بود که با باز شدن آن با استفاده از کشتی بخار، تأثیر زیادی بر تجارت بنادر خلیج فارس گذاشت.
- نخستین کشتی بخار در سال ۱۸۷۰ م. از آبراه سوئز در سواحل بوشهر پهلو گرفت و از آن‌پس میزان تجارت بین هند و ایران دو برابر شد و تجارت بین لندن و بنادر خلیج فارس نیز رونق چشمگیری گرفت (ن.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۲۵).
- حضور کشتی‌های روس در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست در خلیج فارس با باز شدن کانال سوئز عملی گردید. نخستین کشتی روس که به‌منظور نشان دادن پرچم روس در خلیج فارس وارد شد، ناوچه‌ای توپ‌دار بود به نام گیلیاک (Gilyak) و نخستین بندری که این کشتی در آن پهلو گرفت بندرعباس بود (همان: ۲۷). قبل از رسیدن گیلیاک به بندرعباس، فرماندهی نیروی دریایی انگلیس دستور یافته بود که فعالیت‌های کشتی‌های روسی را زیر نظر داشته باشد. مسئله مهم برای نیروی دریایی انگلستان این بود که در صورت کنترل بندرعباس توسط کشتی روسی، چه واکنش مناسبی از خود نشان دهد. نهایتاً وزارت خارجه انگلیس تصمیم گرفت که اگر گیلیاک ناوچه توپ‌دار روسی پرچم خود را در بندرعباس برافراشت، پومونی (Pneumonia) کشتی انگلیسی اعتراض کند و اگر پاسخی دریافت نکرد، پرچم انگلیس را در جزایر هنگام به اهتزاز درآورد (همان: ۲۷).

نمایه ترتیب زمانی ورود کشتی‌های روسی به خلیج فارس

سال ورود	نام کشتی	تعداد اعضای این کشتی	مأموریت عمده
۱۸۷۰	گیلیاک	تعداد زیادی	نظامی
۱۹۰۱	کورنیلو (Kornilov)	تعداد زیادی	باری
۱۹۰۲	اسکولد (Askvld)	تعداد زیادی	باری
۱۹۰۳	بویارین (Bvyaryn)	تعداد زیادی	باری

در سال ۱۹۰۳ م خط دریایی سه‌ماهه شرکت بازرگانی و کشتیرانی «ادسا» در خلیج فارس افتتاح شد و تا بسته شدن تنگه داردانل در ۱۹۱۴ م به فعالیت خود ادامه داد؛ همچنین روس‌ها در سال‌های اولیه قرن بیستم در شهرهای بندرعباس، اهواز، شیراز به تأسیس کنسولگری اقدام نمودند (ن.ک: ر. وادالا، ۱۳۵۶: ۵۳-۵۴).

هدف روس‌ها از فرستادن کشتی به خلیج فارس، تنها رقابت سیاسی و نظامی نبود بلکه بسط تجارت خود در منطقه نیز بود. دولت انگلیس توجه بیشتر خود را به بندرعباس و جزایر اطراف آن، قشم، هرمز و هنگام معطوف کرد. بندرعباس و جزایر سه‌گانه به دلیل قرار گرفتن در سواحل شمالی و مدخل خلیج فارس و نزدیکی آنها به سواحل عمان برای قدرت‌های رقیب، حائز اهمیت استراتژیک گردید؛ از این رو برای مقامات انگلستان در صورتی که بندرعباس به تصرف روس‌ها درمی‌آمد، متقابلاً تصرف هرمز، هنگام و قشم از سوی آن‌ها عملی می‌شد.

در واکنش به تهدیدات روسیه و ایجاد یک پایگاه دریایی در مدخل خلیج فارس، حکومت هندوستان به وزارت هندوستان انگلیس در مه ۱۹۰۱ م. نوشت که در صورت اشغال بندرعباس، یا هر کدام از بندرهای ایران توسط روس‌ها یا کسب توقف سیاسی و دریایی در آنجا، افسر نیروی دریایی ما در خلیج فارس می‌بایست بی‌درنگ دستورهای

صادره را اجرا کرده و پرچم انگلیس را بر سه جزیره هرمز، هنگام و قشم بر افراشته باشد (ن.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۳۱).

با توجه به تهدید روسیه و تصرف بندرعباس توسط آن کشور، حکومت هند به وزارت هندوستان انگلیس پیشنهاد کرد که به بندرعباس سیم تلگرافی خلیج فارس وصل شود. بدین طریق دستگاه تلگراف از سال ۱۸۶۹ م. تا ۱۸۸۱ م. فعال بود و خطوط تلگرافی کراچی در سواحل عمان، که جاسک را مستقیم با کابل دریایی به بوشهر متصل می‌کرد مجدداً راه‌اندازی شد؛ اما این بار اتصال ایستگاه جاسک به بوشهر از طریق هنگام، قشم و بندرعباس در دستور کار قرار گرفت. کرزن در نامه‌ای به هامیلتون، اول جولای ۱۹۰۳ م. از جمله مزایای این طرح را علاوه بر دسترسی دوباره به هنگام، آن را در جهت یافتن دومین جای پای در آن ناحیه در قشم دانست. این نقشه در سال ۱۹۰۵ م عملی گردید. امنیت خلیج فارس در این زمان برای انگلیس بسیار مهم بود بنابراین، مقاومت در برابر هرگونه کوششی از سوی قدرت‌های رقیب برای ایجاد پایگاهی در منطقه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در سراسر قرن نوزدهم، سیاست دفاعی انگلستان در مقابله با توسعه‌طلبی روسیه به سوی هند یا خلیج فارس چنین بود تا ایران و به نسبتی بیشتر افغانستان به‌عنوان دولت‌های حائل یا کشورهای میانگین عمل کند. در همین حال موضوع صلح و پایان‌بخشیدن به اختلاف‌ها در قرن نوزدهم در آسیا مورد توجه لندن و سن‌پترزبورگ نیز بود. سابقه طرح صلح میان روسیه و انگلیس به سال‌های ۱۸۳۸ م. تا ۱۸۴۰ م. برمی‌گردد. سیاست انگلیس این بود که به تحکیم موقعیت برتر خود در منطقه خلیج فارس و دریای عمان پرداخت و کوشید تا با تضعیف ابزارهای ایران در این حوزه استراتژیکی، استیلای خود را توسعه بخشد. سیاست انگلستان در برابر ایران عصر قاجاریه حفظ استقلال آن بود تا از حملات خودسرانه روسیه تزاری بکاهد که همواره خطری دائمی برای سرحدات هندوستان بود و همچنین در پی تضعیف هر چه بیشتر موقعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی تهران بود.

انگلستان حضور رقیب خود روسیه را در ایران در نیمه دوم قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم هجری با دقت و وسواس خاصی دنبال می‌کرد. تلاش این دو قدرت بزرگ برای نفوذ در ایران و خلیج فارس با توجه به حساسیت منطقه بیشتر گردید و این رقابت به دیگر مناطق خلیج فارس نیز کشیده شد. روس‌ها در سال ۱۳۱۷ هـ/ ۱۸۹۹ م. بسیاری از ارمنیان را از طریق بغداد به کویت کوچ دادند و پس از آن نماینده ویژه‌ای برای مذاکره با شیخ کویت و ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی اعزام نمودند.

از آنجا که شیخ کویت بر طبق قرارداد با انگلیسی‌ها حق عقد قرارداد با دیگر دولت‌ها را داشت پیشنهاد روسیه را نپذیرفت و تلاش روس‌ها برای ایجاد پایگاهی در خلیج فارس بی‌نتیجه ماند، اما روند مقابله با انگلستان همچنان ادامه یافت در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول و اتحاد ناگزیر انگلیس و روسیه برای رفع خطر آلمان این روابط شکل جدیدی به خود گرفت و منجر به عقد قرارداد ۱۹۰۷ م. شد (ن.ک: وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۶۸).

استراتژی سیاست خارجی روس‌ها در خلال سال‌های ۱۸۹۵ م. تا ۱۹۰۰ م. این بود که با تأسیس پایگاه دریایی در خلیج فارس و استقرار نیروی نظامی در آن و نیز ایجاد یک خط آهن سراسر شمال - جنوب در ایران و اتصال آن به راه‌آهن روسیه، ترتیبی دهد که در مواقع لزوم، نیروهای نظامی روس به منطقه اعزام‌شده، به هدف‌های خود جامع عمل بپوشاند.

در راستای استراتژی یادشده، کنسول روسیه در پایان قرن نوزدهم به‌منظور اجرای طرح ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس با نمایندگان دولت عثمانی وارد مذاکره شد و خواستار اعطای امتیاز خط آهن طرابلس - کویت به دولت روسیه تزاری شد؛ اما هر دو طرح با کارشکنی‌های انگلیس با شکست مواجه شد (ن.ک: اسدی، ۱۳۸۱: ۸۰). کرزن سیاست‌مدار برجسته انگلیسی درباره احداث بندر و پایگاه دریایی روس‌ها در خلیج فارس می‌نویسد: «از دیرزمانی جزء آمال و آرزوهای روس‌ها بوده، هرگاه صورت عمل به خود گیرد و آرامش و انتظامی که با صرف آن همه مساعی و مجاهدت در خلیج فارس برقرار گردیده، مختل خواهد شد و هر دولتی اجازه احداث بندری را در خلیج فارس به روس‌ها بدهد به عظمت انگلستان توهین آورده است» (نوری زاده بوشهری، ۱۳۲۳: ۱۱۶)؛ بنابراین وجهه اشتراکات دو کشور استعمارگر انگلیس و روسیه در حوزه خلیج فارس در قرن نوزدهم تا سال ۱۹۰۷ م؛ که صحنه رقابت بین‌المللی این دو کشور بود و برای حفظ آن می‌کوشیدند، ایجاد پایگاه‌های دریایی مهمی بود که می‌توانست سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خود را در آن گسترش دهند.

بدین سبب هر دو رقیب درصدد ایجاد پایگاه دریایی در منطقه برآمدند. راهی که انگلیسی‌ها انتخاب کرده بودند، هند را از مسیر عثمانی و روسیه به لندن وصل کرد و دیگری افتتاح کانال سوئز بود که با باز شدن آن تأثیر زیادی بر تجارت بندرها خلیج فارس گذاشت و حضور کشتی‌های روسیه در خلیج فارس با باز شدن کانال سوئز عملی گردید. از دیگر اهداف مشترک بین دو کشور تنها به رقابت سیاسی و نظامی محدود نمی‌شد بلکه بسط تجارت خود در منطقه نیز بود. برای دو دولت مذکور بندرعباس و جزایر اطراف

آن، قشم، هرمز و هنگام به دلیل قرار گرفتن در سواحل شمالی و مدخل خلیج فارس و نزدیکی آن به سواحل عمان، حائز اهمیت استراتژیکی بود. سرانجام انگلیسی‌ها در سال‌های آغازین قرن بیستم به دلیل اهمیت ایران بر آن شدند تا با روس‌ها به تفاهم برسند. این سیاست هم خطری بزرگ‌تری به نام آلمان بود؛ که منافع استعماری بریتانیا را تهدید می‌کرد. بدین ترتیب زمینه‌های قرارداد ۱۹۰۷ م. فراهم شد.

پس می‌توان گفت که قرارداد گمرکی، مانند نقطه عطفی بود که بعد از آن دو قدرت استعماری به جای رقابت با هم، سیاست رفاقت و همکاری را برای سلطه هرچه بیشتر در ایران در پیش گرفتند.

از اقدامات دولت انگلیس برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و جلوگیری از فعالیت رقیب خود در خلیج فارس از جهت حضور آن در همسایگی شبه‌قاره هند، شیوخ منطقه را با اهرم فشار تحت‌الحمایه خود قراردادند؛ در حالی که روسیه برای سلطه هر چه بیشتر خود در خلیج فارس، قدرت خود را در شمال چین گسترش داد و بندر ولادی وستک (Vladivostok) را در کرانه‌های دریای ژاپن ایجاد کرد و به دنبال سلطه بر دولت‌های کوچک آسیای میانه تا پشت مرزهای افغانستان برآمد تا به مرزهای شرقی هندوستان دسترسی پیدا کند.

اگرچه نظر لرد کرزن در این زمینه این است که روسیه قصد تسخیر هند را نداشت بلکه به‌طور خلاصه، هدف روس‌ها، ساکت نگه‌داشتن بریتانیا در اروپا از طریق مشغول نگه‌داشتن آن‌ها در آسیا بود. اقدامات و طرح‌هایی که انگلیسی‌ها در خلیج فارس اجرا کردند به مراتب بیشتر از برنامه‌هایی بود که روس‌ها در خلیج فارس دنبال می‌کردند. بریتانیا با احداث خطوط تلگراف دریایی که باعث سهولت در تبادل اخبار می‌شد، به تثبیت قدرت او کمک می‌کرد و همین مسئله باعث شد که هشتاد درصد کشتی‌های بخار و کالاهای حمل شده متعلق به کمپانی‌های انگلیس باشد. از سوی دیگر آنچه باعث قدرت بیش‌ازپیش انگلیس در برابر دیگر رقبایش از جمله روسیه شده بود وجود سیاستمداران کاردانی چون لرد کرزن، کاکس و ... بود.

دوران فتحعلی‌شاه، عصر رقابت‌های استعماری بین اروپایی‌ها بخصوص انگلیس و روسیه و فرانسه محسوب می‌شد. در این زمان، مناسبات بین‌المللی، کاملاً دگرگون شده بود. روابط غرب با شرق وارد مرحله جدیدی شد که بر مبنای آن قدرت‌های بزرگ هدفی جز تأمین اهداف استعماری خود نداشتند و رقابت بین آنان بر سر کسب منافع، آزادی و آبادانی ملل شرق را دچار آسیب کرده بود. کشور ایران نیز به دلایل جغرافیایی، اقتصادی

و سیاسی مورد توجه استعمارگران قرار گرفت. پادشاهان قاجار از مناسبات جدید بین‌المللی بی‌اطلاع بودند. آنان پدیده‌ای استعمار را نمی‌شناختند و با اهداف استعماری آشنا نبودند. نگاه آنان به استعمار، همچون نگاه آنان به یک کشور خارجی بود. بی‌اطلاعی زمامداران از اوضاع حاکم بر جهان، عواقب جبران‌ناپذیری برای استقلال ایران داشت. هر چند استعمارگران، نتوانستند ایران را مانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان، مستقیم به صورت مستعمره خود در آورند، اما بانفوذ در هیئت حاکمه ایران موفق شدند، حاکمان سیاسی ایران را به حامیانی برای منافع خود مبدل سازند.

ضعف دولت مرکزی ایران و رقابت روسیه و انگلستان در صحنه سیاسی ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در چهارچوب تئوری تعادل مثبت نقش اساسی در جدایی جزایر از ایران داشته است. شکست بریتانیا در صحنه سیاست خارجی ایران از روسیه پس از لغو امتیاز توتون و تنباکو و تلاش‌های دولت بریتانیا برای جبران شکست خود از طریق رهیافت جنوب‌گرایی، سبب جدایی جزایر از ایران گردید. ضمن آنکه دولت ایران نیز به دلیل درگیر بودن در حوادث منتهی به مشروطیت قادر به عکس‌العملی بیش از اعتراض لفظی نبود. چنان‌که دیدیم سال‌های ۱۸۸۷ م و ۱۸۸۸ م شاهد تلاش جدی دولت ایران برای گرفتن جایی در سیاست‌های خلیج فارس بود که به نظر می‌رسد نخستین گام در این راه از طرف مأمور مورد علاقه شاه، امین‌السلطان، برداشته شد. وی مأمور ایالت بندرهای خلیج فارس بود. در نحوه اداره استان تحت حکومت وی در روابط خارجی‌اش، به‌زودی نشانه‌هایی از آمال محدودساختن نفوذ خارجی پدید آمد. در ۱۸۸۸ م / ۱۳۰۴ هـ. ق. نیروهای ایرانی در جزیره سیری پیاده و مستقر شدند.

دولت ایران در خصوص جزایر تنب و ابوموسی نیز ادعای حاکمیت می‌کرد اما اقدامی بیش از این انجام نمی‌داد. در همین حال دولت بریتانیا و مأموران انگلیسی مستقر در هند واکنشی در قبال آن نشان ندادند، اما به یک‌باره در سال ۱۹۰۲ م / ۱۳۱۹ هـ. ق. دولت بریتانیا مدعی شد که قاسمی‌های مستقر در بندرلنگه نه به‌عنوان مأموران دولت ایران بلکه به‌عنوان نماینده طوایف قاسمی بخش عرب‌نشین خلیج فارس بوده‌اند (ن. ک: زرگر، ۱۳۷۲: ۲۵۶). یک سال بعد، در ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۰ هـ. ق. رأس‌الخیمه پرچم خود را ابتدا در ابوموسی، سپس در جزایر تنب به اهتزاز درآورد. این نقطه آغازین جدایی جزایر از ایران بود. بدین ترتیب از ۱۹۰۳ م. / ۱۲۶۸ ش علی‌رغم اعتراض دولت ایران، چهار جزیره ایرانی تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و سیری به‌طور موقت از حاکمیت ایران خارج گردید. به نظر می‌رسد علت این اقدام را باید در تحولات سیاست خارجی انگلستان در

قبال ایران جستجو کرد. موضوعی که تبیین و درک آن تنها از طریق تحلیل سیاست خارجی بریتانیا در ایران در طول قرن نوزدهم و سال‌های آغازین قرن بیستم بر اساس رقابت با روسیه در چهارچوب تئوری تعادل مثبت امکان‌پذیر است.

۲-۳-۲. رقابت تجاری

در دوره اول سلطنت قاجاریه، یعنی از سال ۱۲۱۰ تا ۱۲۵۰ هجری قمری حکومت قاجاریه با یک سلسله جنگ‌های دفاعی در برابر روسیه و عثمانی مواجه گردید. انگلستان پس از راندن رقیب خود یعنی فرانسه، برای بسط نفوذ سیاسی خویش در کشور ما به فعالیت پرداخت و رقابت اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس با مظاهر زشت و ناگوار خود به نحو بارزی در ایران تجلی پیدا کرد. این رقابت در درجه اول برای رخنه در امور مالی و اقتصادی ایران و کسب امتیازات اقتصادی و معافیت‌های گمرکی و عقد قراردادهای تجاری پرسود برای آن دو کشور آغاز گردید و روزبه‌روز شدت یافت و هر دو رقیب برای پیشرفت مقاصد خود از هیچ اقدام و عمل سیاسی و اقتصادی خودداری نکردند. بدین ترتیب بازرگانی خارجی ایران به‌مرور زمان در انحصار دو دولت زورمند روس و انگلیس قرار گرفت و امور مالی و سایر شئون اقتصادی ایران استقلال خود را از دست داد.

سیاست‌هایی که انگلیس در منطقه خلیج فارس برای دور کردن رقبایش در پیش گرفته بود، از موقعیت جغرافیایی آن سرزمین نشئت می‌گرفت. ویژگی جزیره‌ای این کشور سبب شده بود، قرن‌ها از تهاجم سایر ملل اروپایی دور باشد و به کمک نیروی دریایی قدرتمند خویش به توسعه ارضی به سایر سرزمین‌ها پردازد؛ از این رو، بریتانیا به کشوری تبدیل شد به قولی تصمیم سیاسی آن در دفاتر تجاری گرفته می‌شد و جنگ و صلح آن تابع افزایش یا کاهش گمرک‌ها بود. به گفته آلبرماله «شرکت هند شرقی، نمونه بارز سیاست جهانی دولت مطبوع خویش بود و هرگونه رقابت خارجی با این شرکت مانند رویارویی با سیاست و حکومت بریتانیا محسوب می‌شد» (آلبرماله، ۱۳۷۷: ۳۶).

مقررات گمرکی نیز درباره تجارت ایران با روسیه و انگلیس تابع مقررات کشورهای کامله‌الوداد و در حداقل تعیین شده بود و بازرگانان انگلیسی و روسی چه از لحاظ خرید کالا در داخل کشور ما و چه از لحاظ واردکردن کالاهای خود به کشور سود فراوان می‌بردند. روس‌ها با قرارداد گمرکی ۱۳۲۱ ه. ق. / ۱۹۰۳ م. ایران را از لحاظ اقتصادی به کشوری کاملاً ورشکسته و وابسته تبدیل کردند. ایران به تولیدکننده مواد خام و اولیه موردنیاز روس‌ها تبدیل شد و در عوض واردکننده کالاهای مصرفی و تولیدات صنعتی روسیه بود.

بعد از انعقاد این قرارداد نزدیک به دوسوم از تجارت خارجی ایران به انحصار روس‌ها درآمد. روسیه تزاری قصد داشت با نابود کردن اقتصاد ایران، هرچه بیشتر این کشور را از لحاظ اقتصادی به خود وابسته سازد و به دنبال آن از لحاظ سیاسی نیز ایران به صورت تحت‌الحمایه روسیه درمی‌آمد. انتخاب این روش نیز به این دلیل بود که روس‌ها با کنار گذاشتن شیوه خشونت‌آمیز گذشته خود یا دست کم کاهش آن، از احساس تنفر و کینه ایرانیان نسبت به خود می‌کاستند و از سوی دیگر خطر رویارویی با انگلستان را نیز از میان برمی‌داشتند.

انگلستان با استفاده از قدرت نظامی در رسیدن به هدف‌های دیپلماتیک و استراتژیکی خویش، در نیمه سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) تفوق تجاری خود را در ایران هم تثبیت نمود. دادوستد بریتانیا با ایران در نیمه نخست سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) با تحولاتی که در اروپا اتفاق افتاد، تجارت خلیج فارس مورد توجه اروپاییان قرار گرفت. از آنجاکه در این زمان سرمایه‌داری به صورت یک نظام غالب بین‌المللی درآمد، تجارت جهانی گسترش یافته، رقابت کشورها برای به دست آوردن بازارهای جدید و تهیه مواد اولیه، رشد مضاعفی یافته بود؛ در نتیجه ایران نیز مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفت و روابط آن با کشورهای خارجی، بخصوص اروپا، گسترش یافت.

در گزارشی از «ژرژ هامیلتون» (George Hamilton) وزیر امور خارجه انگلستان تأکید شده است:

ما در خلیج فارس علایق تجاری زیادی داریم. ما با ایران دارای مجاورت سرحدی هستیم که از انتهای ایلات کلات تا سواحل دریا ممتد می‌شود. ما با رؤسای خلیج فارس دارای قراردادهایی هستیم و آنها ما را به منزله حامی می‌دانند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، دولت ایران را هوشیار کرده است که غفلت از مصالح مشروع بریتانیای کبیر و هندوستان در بندرهای خلیج فارس و ایران جنوبی منجر به نتایج وخیم خواهد شد. (سلیمی، ۱۳۱۱: ۱۶)

به تبعیت از این شرایط جهانی، در دوره قاجار تغییراتی در امور اقتصادی و تجارت خارجی ایران پدید آمد، بدین صورت که دولت ایران تا دوران قاجار و حتی تا عصر ناصری نتوانسته بود روابط مستمر با دیگر کشورها برقرار نماید و بیشتر دارای روابط تجاری و دیپلماتیک یک‌طرفه یا یک‌جانبه بود و تشکیلات گسترده و قدرتمندی نیز نداشت، ولی از دوره ناصرالدین‌شاه با توجه به اینکه معادلات بین‌المللی حالت دوجانبه پیدا کرد، حکومت ایران مجبور شد امور تجاری خود را انتظام‌بخشیده، نهادهای اقتصادی خاصی را برای سروسامان دادن به تجارت داخلی و خارجی دایر نماید.

در تجارت خارجی ایران، روس و انگلیس و هندوستان به ترتیب مقام اول و دوم و سوم را داشتند و مدت‌ها روسیه مقام اول را در تجارت خارجی ایران برای خود حفظ کرده بود؛ به طوری که قریب به ۴۵ درصد از معاملات خارجی ایران با روسیه انجام می‌گرفت و انگلیس و هند نیز ۲۵ تا ۳۰ درصد دادوستد خارجی ایران را داشتند و ۳۰ تا ۲۵ درصد بقیه واردات و صادرات ایران با کشورهای دیگر جهان صورت می‌گرفت. ارزش واردات ایران از روسیه غالباً یک‌ونیم برابر ارزش صادرات و از انگلستان و هند (مستعمره انگلستان) پنج‌ونیم برابر بهای صادرات ایران به آن دو کشور و بهای صادرات ایران به عثمانی بیش از ارزش واردات از آن کشور بوده است؛ بدین ترتیب عثمانی از لحاظ خرید کالای ایران در مقام اول و روسیه در مقام دوم بوده است.

۳. نتیجه‌گیری

خلیج فارس برای دو رقیب روس و انگلیس به‌عنوان پایگاه مهمی بود که آنها می‌توانستند سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خود را در آنجا گسترش دهند. روسیه، رقیب انگلستان، در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با پیشروی به‌سوی آسیای مرکزی، هند را مورد توجه قرار داد؛ بدین جهت انگلستان حضور رقیب خود روسیه را با دقت و وسواس خاصی دنبال می‌کرد. تلاش این دو قدرت بزرگ برای نفوذ در ایران و خلیج فارس با توجه به حساسیت منطقه بیشتر گردید. یکی از عواملی که باعث تحکیم موقعیت انگلیس در منطقه شد، این بود که با اهرم فشار شیوخ منطقه را تحت‌الحمايه خود قرارداد. مهم‌ترین برنامه بریتانیا پس از عقد قرارداد خود با شیوخ منطقه عبارت از: ممانعت از دزدی دریایی، جلوگیری از نفوذ رقبای اروپایی در منطقه و حفظ وضع موجود در بین حکام و شیوخ بود. در سراسر قرن نوزدهم، سیاست دفاعی انگلستان در مقابله با توسعه‌طلبی روسیه به‌سوی هند یا خلیج فارس چنین بود تا ایران و به نسبتی بیشتر، افغانستان به‌عنوان دولت‌های حائل یا کشورهای میانگین عمل کنند. در همین حال موضوع صلح و پایان‌بخشیدن به اختلاف‌ها در قرن نوزدهم در آسیا مورد توجه لندن و سن پترزبورگ نیز بود.

رقابت روس و انگلیس در خلیج فارس در طی بازه زمانی این تحقیق، یعنی از سال ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۵ م در عرصه‌های مختلفی صورت گرفت؛ به‌ویژه در عرصه سیاسی و نظامی و تجاری. در عرصه سیاسی با توجه به سیاست‌های دول اروپایی در نیمه دوم قرن نوزدهم، تلاش دو دولت انگلستان و روسیه تسلط بر این منطقه و تأسیس پایگاه دریایی در خلیج فارس و کنترل بر شیخ‌نشین‌های این منطقه بود. دولت انگلستان در راستای کنترل راه‌های

منتهی به هند تلاش می‌کرد که با تأسیس پایگاه‌های دریایی و تأسیس کنسول‌گری در حاشیه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس، از نفوذ سایر دولت‌های اروپایی به‌ویژه روسیه، فرانسه و آلمان در این منطقه و به‌تبع آن از نفوذ آنها به هند ممانعت نماید. در نقطه مقابل سایر دولت‌های اروپایی به‌ویژه روسیه در راستای توسعه دامنه نفوذ خود و تلاش برای رسیدن به هند، عمده تلاششان نفوذ در خلیج فارس و مناطق اطراف آن به‌ویژه ایران و جزایر جنوبی خلیج فارس بود. روسیه نیز همانند انگلستان تلاش می‌کرد تا نفوذ خود را از طریق تأسیس پایگاه‌های دریایی و کنسولگری‌های سیاسی تحکیم نماید.

در عرصه اقتصادی نیز انگلستان و روسیه در خلیج فارس درگیر یک رقابت تمام‌عیار بودند، هرچند انگلستان به دلیل برتری سیاسی و نظامی در خلیج فارس و نفوذ گسترده در بین شیوخ منطقه از توانایی بالاتری در رقابت اقتصادی با روسیه برخوردار بود.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در فوق و در چهارچوب پاسخ به سؤال این تحقیق که علت اصلی رقابت این دو کشور در خلیج فارس چه بوده، این فرضیه بیشتر مطرح‌شده که اصلی‌ترین دلیل رقابت دو دولت در خلیج فارس متأثر از اهمیت هند بود که انگلستان در راستای حراست از آن و روسیه در راستای نفوذ بدان، خلیج فارس را مطمع نظر خود قرار داده، در دو عرصه سیاسی و اقتصادی به رقابت پرداختند. نکته مهم و قابل‌تأمل اینکه انگلستان تحمل بیشتری در خصوص حضور اقتصادی روس‌ها در خلیج فارس نمود اما در عرصه سیاسی و نظامی لحظه‌ای از رقابت با روسیه از پای نشست و نهایتاً موفق شد که بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ روسیه را از منطقه خلیج فارس دور نماید.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آلبرماله. (۱۳۷۷). **ژول ایزاک**. ترجمه رشید یاسمی (ج ۲). تهران: پروین.
۲. اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). **خلیج فارس و مسائل آن**. تهران: سمت.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و حسین ربیعی. (۱۳۹۲). **مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس**. تهران: انتشارات سمت.
۴. جناب، محمدعلی. (۱۳۴۹). **خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی**، ۱۹۰۰ - ۱۸۷۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۵. زرگر، علی‌اصغر. (۱۳۷۲). **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه**. مترجم: کاوه بیات. تهران: انتشارات معین و پروانه.

۶. سلیمی، علی‌اکبر. (۱۳۱۱). **اسناد محرمانه سیاسی انگلیس و روس در ایران قبل از جنگ**. تهران: پخش‌کننده و غیره.
۷. صباحی، هوشنگ. (۱۳۷۹). **سیاست انگلیس و پادشاهی رضاشاه**. ترجمه پروانه ستاری. تهران: گفتار.
۸. فوران، جان. (۱۳۵۸). **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از سال ۱۵۰۰ م. مطابق با ۸۷۹ ش. تا انقلاب اسلامی)**. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
۹. کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۷۱). **روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴)**. ترجمه منوچهر امیری (ج ۲). تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۱۰. کبابی، سدیدالسلطنه (محمدعلی). (۱۳۶۸). **بندرعباس و خلیج فارس**. تصحیح احمد اقتداری. تهران: دنیای کتاب.
۱۱. مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۴۹). **شیخ‌نشین‌های خلیج فارس**. تهران: عطایی.
- مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۸۶). **خلیج فارس و بوشهر**. بوشهر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان بوشهر.
۱۲. مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ). (۱۳۸۵). **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم**. تهران: امیرکبیر.
۱۳. نوری‌زاده بوشهری، اسماعیل. (۱۳۲۳). **نظری به ایران و خلیج فارس**. بی‌جا.
۱۴. وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۴). **تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار**. تهران: سمت.
۱۵. ویلسن، سر آرنولد. (۱۳۶۶). **خلیج فارس**. ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی فرهنگی.
۱۶. وادلا، ر. (۱۳۵۶). **خلیج فارس در عصر استعمار**. ترجمه شفیق جوادی. تهران: صحاب کتاب.

ب. مقاله‌ها

۱۷. احمدی، فرج‌الله. (۱۳۸۶). «رقابت روسیه و انگلستان در خلیج فارس؛ تلاش برای ایجاد پایگاه دریایی (۱۸۹۰ م-۱۹۰۷)». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**. شماره ۱۸۲، ۲۳-۳۸.
۱۸. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۷). «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران». **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال سیزدهم، شماره ۱۳۶ و ۱۳۵، ۳۴-۴۳.
۱۸. میری، سید احمد. (۱۳۷۸). «تأثیر ساختار نظام سیاسی بر فرهنگ سیاسی مردم ایران با تکیه بر سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲». **مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی**، سال سیزدهم، شماره ۷ و ۸، ۷۶-۸۱.

ج. پایان نامه ها

مروار، محمد (۱۳۸۰). *سیاست های بریتانیا از نیمه دوم قرن نوزدهم تا جنگ جهانی*

اول. رساله تحصیلی فوق لیسانس. دانشگاه شیراز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی